

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت
دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۹۶

Research Journal of Islamic Philosophy and
Theology of Shahid Beheshti University
کد مقاله: ۱۷۴۰۵

تفاوت‌های اساسی در رویکرد استاد مطهری و علامه جعفری به مسئله معنای زندگی

محمدعلی اخگر*
علیرضا فارسی‌نژاد**

چکیده

معنای زندگی به عنوان مسئله‌ای بسیار مهم، مورد توجه استاد مطهری و علامه جعفری قرار گرفته است. بررسی توصیفی-تحلیلی دیدگاه این دو متفکر مسلمان، مبین این حقیقت است که به رغم وجود مشابهت‌های چشمگیر، تفاوت‌های اساسی در رویکرد آن‌ها نسبت به این مسئله وجود دارد. این تفاوت‌ها در سه محور اصلی قابل صورت‌بندی است: ۱. رویکرد کلامی و نقلی استاد مطهری به این مسئله برخلاف رویکرد عقلی و فلسفی علامه جعفری به آن؛ ۲. نگرش غیراستقلالی و تحویل‌گرایانه استاد مطهری به مسئله معنای زندگی در مقابل نگرش استقلالی و محوری علامه جعفری نسبت به این مسئله؛ ۳. عدم توجه استاد مطهری به پرسش معنای زندگی و بدیهی‌انگاری آن در مقابل توجه جدی علامه جعفری به مقام پرسش معنای زندگی و تلاش برای استخراج پاسخ این مسئله از درون تحلیل پرسش. این تفاوت‌های اساسی خود نشان‌دهنده دو گونه متفاوت بحث از معنای زندگی در ساحت اندیشه اسلامی-ایرانی است.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، هدف زندگی، مطهری، جعفری.

مقدمه

پرسش از معنای زندگی از جمله اساسی‌ترین پرسش‌هایی است که از ذات و سرشت آدمی برمی‌خیزد. در میان متفکران متعددی که در ادوار گوناگون تاریخ بشری به این مسئله مهم

mohamad.akhgar@gmail.com
alifarsi@shirazu.ac.ir

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد شیراز
** عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

پرداخته‌اند استاد مطهری و علامه جعفری به عنوان دو متفکر بزرگ مسلمان در دوره معاصر، به مسئله معنای زندگی به طور گسترده توجه کرده و مباحث گوناگونی را در خصوص این پرسش اساسی مطرح کرده‌اند. بررسی دیدگاه این دو اندیشمند موید این حقیقت است که به‌رغم وجود مشابهت‌های قابل توجه، تفاوت‌های اساسی جدی در رویکرد آن‌ها به این مسئله وجود دارد تفاوت‌هایی که بر سرتاسر بحث این دو متفکر مسلمان در خصوص این موضوع حاکم بوده و موجب جدایی و تمیز اساسی بحث آن‌ها در خصوص معنای زندگی می‌گردد. پرسش اصلی مقاله حاضر ناظر به کشف این تفاوت‌های اساسی است. در پاسخ به این پرسش، با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، تفاوت‌های اساسی موجود در رویکرد استاد مطهری و علامه جعفری، از میان مباحث آن‌ها در خصوص معنای زندگی استخراج شده و بدین ترتیب رویکرد کلی این دو متفکر مسلمان نسبت به پرسش معنای زندگی با شناختی عمیق و به نحو تطبیقی بررسی شده است.

در واقع، هدف مقاله حاضر، کشف و بیان تفاوت‌های اساسی‌ای است که در رویکرد استاد مطهری و علامه جعفری نسبت به مسئله معنای زندگی وجود دارد. دستیابی به این هدف از جهات مختلف حائز اهمیت است. از یک سو، شناخت ویژگی‌های اساسی رویکرد استاد مطهری و علامه جعفری به مسئله هدف زندگی و بیان تفاوت‌های اساسی بین این دو رویکرد، نقش بارزی در شناخت کامل و عمیق پاسخ این دو متفکر برجسته به مسئله مهم هدف و معنای زندگی دارد. از سوی دیگر، آنچه بر اهمیت بیش از پیش بحث از این موضوع می‌افزاید این حقیقت است که دیدگاه استاد مطهری و علامه جعفری، به نحو بارزی نمایانگر دو گونه اصلی تأمل در باب معنای زندگی در ساحت اندیشه اسلامی است. به بیان دیگر، بررسی تفاوت دیدگاه این دو اندیشمند بزرگ مسلمان در خصوص معنای زندگی، در واقع بررسی تفاوت‌های اساسی موجود در دو گونه اصلی پاسخ به پرسش معنای زندگی در قلمرو اندیشه و فرهنگ اسلامی است.

در جهت یافتن این تفاوت‌های اساسی و شناخت این دو گونه مهم و البته متفاوت پاسخ به مسئله معنای زندگی، پس از بیان نکاتی چند در خصوص معناشناسی و ابعاد مسئله، برای روشن شدن ویژگی‌های اساسی رویکرد استاد مطهری و علامه جعفری، بررسی کلی و مختصر دیدگاه این دو اندیشمند ضروری است؛ سپس با به‌دست آوردن این تصویر کلی از دیدگاه آن‌ها، ویژگی‌های اساسی رویکرد این دو اندیشمند به تفکیک و با تکیه بر کشف تفاوت‌ها بررسی شده است. در نهایت در بخش نتیجه‌گیری و تطبیق، با بررسی و مقایسه ویژگی‌های اصلی رویکرد این

دو اندیشمند مسلمان نسبت به مسئله هدف زندگی، تفاوت‌های اساسی بین رویکرد این دو متفکر تبیین شده است.

در خصوص پیشینه تحقیق با توجه به بررسی‌های نگارنده می‌توان گفت که تا به حال هیچ اثر پژوهشی، رویکرد استاد مطهری و علامه جعفری در خصوص مسئله معنای زندگی را با نگاه تطبیقی و با توجه به تفاوت‌های رویکرد آن‌ها مورد بررسی و واکاوی قرار نداده است. البته در مورد دیدگاه علامه جعفری در باره هدف و معنای زندگی، مقاله‌ای پژوهشی با تطبیق دیدگاه علامه جعفری و نیچه تا حدی و البته بدون توجه جدی به ویژگی‌های اصلی حاکم بر رویکرد علامه جعفری به توصیف دیدگاه او در خصوص معنای زندگی پرداخته است (رضازاده و رحمانی اصل، ص ۱۳۴-۱۱۵). با این حال، با توجه به گستردگی مباحث علامه جعفری در خصوص معنای زندگی، ضرورت پرداختن عمیق و بیش از پیش به دیدگاه این اندیشمند بزرگ نسبت به این مسئله و شناخت کلی رویکرد ایشان نسبت به این موضوع به نحو جدی احساس می‌گردد. در خصوص دیدگاه استاد مطهری در خصوص معنای زندگی، فقر منابع پژوهشی کاملاً محسوس است به گونه‌ای که هیچ گونه کتاب یا مقاله پژوهشی به بررسی دیدگاه او درباره معنای زندگی پرداخته است. با ملاحظه این وضعیت، مقاله حاضر، با تطبیق دیدگاه این دو متفکر برجسته در باب معنای زندگی و معرفی دو گونه مهم پاسخ به این پرسش اساسی در ساحت اندیشه و تفکر اسلامی، پژوهشی کاملاً نوآورانه به‌شمار می‌آید.

۱. معناشناسی و واکاوی ابعاد مسئله

معنای زندگی از جمله مسائلی است که به‌رغم فراگیری و مواجهه هر انسان با آن در طی حیات خود، هنگام بحث، بررسی و تدقیق دچار ابهام بوده و فاقد وضوح کافی است (متر، ص ۲۶۷؛ تامسون، ص ۱۰؛ Wolf, v5, p630). چنین امری ضروری می‌سازد که پیش از هر گونه تحقیق در مورد معنای زندگی، موضوع روشن‌تر و معنای معنای زندگی مشخص شود و ابعاد مسئله مورد واکاوی قرار گیرد.

در این راستا، پیش از هر چیز باید مقصود از معنای زندگی مشخص گردد. در باب معنای معنای زندگی سه دیدگاه اصلی وجود دارد:

۱. برخی معنای زندگی را مترادف هدف زندگی می‌دانند و زندگی معنادار را همان زندگی هدفمند معرفی کرده‌اند (استیس، ص ۱۱۳؛ وارد، ص ۵۷؛ کوئین، ص ۱۸۵-۱۸۲).

۲. گروه دیگر، ارزش زندگی را به عنوان معنای زندگی محسوب نموده‌اند (Young, p.3؛ نیگل، ص ۹۸-۹۱؛ لگنهاوسن، ص ۷؛ روزنو، ص ۱۴۴-۱۴۱).

۳. معدودی نیز در توضیح معنای زندگی بر مفهوم فایده زندگی، کارکرد زندگی یا دلالت آن تکیه کرده‌اند (آدلر، ص ۱۶؛ کمپانی، ص ۱۸؛ تامسون، ص ۲۰).

آنچه در سنت اندیشه اسلامی و به طور کلی در نگرش‌های دین‌مدار، به وضوح در بحث از معنای زندگی غلبه داشته، دیدگاه اول بوده است. در این میان، استاد مطهری و علامه جعفری نیز به عنوان دو متفکر دین‌باور، چنین رویکردی نسبت به معناداری زندگی داشته و بدین جهت در بحث از معنای زندگی به طور مستقیم سراغ بحث هدف زندگی رفته و از تعبیر هدف زندگی بهره برده‌اند (مطهری، هدف زندگی؛ جعفری، فلسفه و هدف زندگی).

با روشن شدن معنای زندگی از دیدگاه استاد مطهری و علامه جعفری، اشاره به این نکته ضروری است که در بحث از معنا و هدف زندگی بیش از هر چیز هدف اصلی و نهایی زندگی مورد توجه بوده و به عنوان کانون معناداری زندگی مورد بحث است (اروین، ص ۱۵). در واقع، هدف و غایت مجموعه افعال ارادی انسان را به دو نوع متمایز می‌توان تقسیم کرد: ۱. هدف نهایی (هدف اعلا، هدف اصلی)؛ ۲. اهداف میانی و واسطه‌ای (هدف‌های تکاملی نسبی). هدف نهایی آخرین هدف انسان در زندگی و آخرین چیزی است که انسان می‌خواهد به آن دست یابد. اهداف میانی نیز، واسطه رسیدن به هدف نهایی و ابزار و وسیله حصول آن هستند (جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۹۳). برای تحقق زندگی معنادار وقوع هر دو نوع هدف و ارتباط پویا و صحیح آن‌ها ضروری است، اما نقش اصلی در نظام معناداری زندگی انسان از آن هدف نهایی و اعلا می‌باشد؛ همان چیزی که استاد مطهری و علامه جعفری در بحث هدف و معنای زندگی عمدتاً به آن توجه داشته‌اند.

نکته‌ای که پیش از ورود به متن اصلی مقاله، اشاره به آن ضروری است این است که تفاوت‌های مورد بررسی در این مقاله، از جنس تفاوت رویکردهای این دو متفکر به مسئله معنای زندگی است؛ آن هم تفاوت‌های اساسی و کلی رویکرد این دو اندیشمند در خصوص این مسئله؛ یعنی تفاوت‌هایی که حاکم بر کل بحث آن‌ها در موضوع هدف زندگی بوده است و سویه و جهت تمام مباحث آن‌ها در خصوص این پرسش مهم را مشخص می‌کند. بنابراین برای فهم مسئله این پژوهش ضروری است که به این نکته توجه شود که اولاً رویکرد استاد مطهری و علامه جعفری و نه محتوای جزئی و تفصیلی دیدگاه این دو متفکر در باب معنای زندگی مورد

توجه این پژوهش بوده و ثانیاً تفاوت ویژگی‌های اصلی و اساسی این دو رویکرد مورد بحث این تحقیق است.

۲. ارائه تصویری کلی از دیدگاه استاد مطهری نسبت به مسئله معنای زندگی

به منظور دستیابی به ویژگی‌های اساسی رویکرد استاد مطهری به مسئله هدف زندگی، در ابتدا و پیش از بحث از این ویژگی‌ها ضروری است که تصویری کلی از دیدگاه او نسبت به این مسئله به دست آید بدین جهت که بدون بهره بردن از این تصویر کلی، فهم رویکرد و جهت‌گیری کلی استاد مطهری به مسئله هدف زندگی و شناخت ویژگی‌های اساسی آن ناممکن یا حداقل بسیار دشوار است. پاسخ استاد مطهری به پرسش معنای زندگی را در قالب موارد زیر به طور کلی می‌توان شناخت:

۱. تقابل با پوچی و پوچ‌گرایی: استاد مطهری در آثار گوناگون خود به شدت به پوچ‌گرایی و پوچ‌گرایان حمله کرده و با بیان از دست دادن ایمان و رفاه بیش از اندازه به عنوان دلایل اصلی وقوع فلسفه پوچی در دنیای غرب و هم‌چنین با نقد افکار پوچ‌گرایانی هم‌چون صادق هدایت، افکار پوچ‌گرایانه و بدبینانه را زهرهایی می‌داند که به جان جامعه ما ریخته می‌شود (مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، ص ۴۰؛ مطهری، انسان کامل، ص ۶۱).

۲. وجود خدا به عنوان محور نظام معناداری زندگی انسان: با طرد و نفی پوچ‌گرایی و دفاع از معنادار بودن زندگی انسان، استاد مطهری خدا را به عنوان غایت نهایی بشر، مطلوب و مایه دل‌بستگی او معرفی می‌کند (همو، گفتارهای معنوی، ص ۳۲۹). این غایت‌انگاری خداوند بیش از هر چیز خود را در اصل اعتقادی توحید نشان می‌دهد. از دیدگاه استاد مطهری، در حالی که سه قسم اول توحید یعنی توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی یک سلسله اندیشه‌های نظری و فلسفی هستند اما قسم چهارم یعنی توحید عبادی برای ما آرمان‌سازی می‌کند یعنی به ما هدف داده و جهت‌گیری ما را مشخص می‌کند:

طبعاً به این معنا در منطق اسلام هدف اصلی از زندگی جز معبود چیز دیگری نمی‌تواند باشد. یعنی قرآن می‌خواهد انسان را بسازد و به او هدف و آرمان بدهد، و هدف و آرمانی که اسلام می‌خواهد بدهد فقط خداست و بس، و هر چیز دیگر جنبه مقدماتی دارد نه جنبه اصالت و استقلال و هدف اصلی (همو، هدف زندگی، ص ۱۶-۱۷).

۳. غایت‌انگاری آخرت و معاد: بدین ترتیب قرب به خدا، غایت و هدف نهایی زندگی بشر است. استاد مطهری به انحاء گوناگون به این غایت‌انگاری اشاره کرده و البته برخی از غایات میانی و ابزاری مهم برای دستیابی به این غایت نهایی را نیز بیان می‌کند. برای این منظور، استاد مطهری به غایت‌انگاری معاد و آخرت برای زندگی انسان اشاره کرده و در ضمن برهان حکمت که یکی از مهم‌ترین استدلال‌های عقلی برای اثبات معاد است هدف‌مندی انسان را در گرو وجود معاد دانسته و با تفسیر معاد به بازگشت انسان به سوی خدا، آن را بیان دیگری از غایت‌انگاری خدا محسوب کرده است (مطهری، معاد، ص ۸۹). استاد مطهری همچنین به رابطه غایت‌انگاری دنیا و آخرت نیز توجه کرده و از میان فروض مختلف رابطه دنیا و آخرت، رابطه میان هدف قرار گرفتن یکی از این دو با برخورداری از دیگری را می‌پذیرد. او متکی بر این فرض، می‌گوید که این آخرت است که به دنیا معنا می‌دهد زیرا آخرت مقصد دنیا است و مقصد و هدف، به دنیا که محل حرکت و تکاپو است معنا می‌بخشد (همو، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۷)، ص ۶۰).

۴. سعادت و معنای زندگی: تحلیلی که او از سعادت به عنوان بیان دیگری از هدف و مطلوب نهایی ارائه می‌دهد (همو، وحدت اسلامی و سعادت، ص ۲۵) تا حد زیادی مشابه با تحلیلی است که فلاسفه بزرگ مسلمان از مفهوم سعادت بیان می‌دارند (نک: ابن‌سینا، ج ۳، ص ۳۶۳-۳۳۴؛ الشیرازی، ج ۹، ص ۱۱۴-۱۰۵). در این تحلیل، مفهوم لذت و وجود، نقش محوری ایفا می‌کند. مطابق فلسفه صدرایی، وجود همان سعادت بوده و سعادت انسان در گرو بهره بردن هر چه بیشتر از وجود و کمال است بنابراین هر چه نفس انسانی در مراتب استکمالی و تشکیکی وجود بالاتر رود از لذت و بهجت بالاتری برخوردار شده و سعادت‌مندتر خواهد بود (همان، ص ۱۰۶-۱۰۵). استاد مطهری با پذیرش این تحلیل که دارای سازگاری منطقی با غایت‌انگاری خداوند و آخرت در نظام معناداری زندگی انسان است بیان می‌کند که:

اکنون می‌توانیم خود را به یک مفهوم و تصور عالی‌تر در باب سعادت نزدیک کنیم و سعادت و وجود را هم‌دوش و هم‌عنان یکدیگر بشماریم. هر موجودی به تناسب ظرفیت و سعه وجودی که دارد از سعادت بهره‌مند است. ظرفیت و سعه وجودی هر موجود متناسب است با قرب و نزدیکی او در قوس نزولی یا قوس صعودی به منبع و سرچشمه لایزال هستی و موجودات به نسبتی که به منبع وجود و سرچشمه لایزال هستی قرب و نزدیکی دارند از

سعادت بهره‌مندند و به نسبتی که از او دورند گرفتار شقاوت‌اند (مطهری، وحدت اسلامی و سعادت، ص ۳۱).

۵. کمال، انسان کامل و معنای زندگی: استاد مطهری در بحث انسان کامل نیز با طرح این حقیقت که هدف اسلام از انسان کامل طبعاً با هدف واقعی یک مسلمان از زندگی‌اش معادل است (همو، تکامل اجتماعی انسان، ص ۱۴۷) اهدافی از قبیل علم، آزادی، محبت و ...، که در مکاتب و نظریات مختلف پیرامون انسان کامل به عنوان ملاک کمال انسان و هدف او ذکر شده است را از باب مقدمه و وسیله وصول به هدف اعلا یا از باب نتیجه و اثر وصول به آن دانسته (همو، انسان کامل، ص ۳۴۷) و ضمن توجه دادن به ضرورت تفکیک هدف نهایی یعنی تقرب به خدا از اهداف میانی و ابزاری، این اهداف میانی را به عنوان مقدمه و وسیله وصول به قرب الهی معتبر می‌شمارد.

۳. ویژگی‌های اصلی رویکرد استاد مطهری به مسئله معنای زندگی

۳.۱. کلامی و نقلی بودن رویکرد استاد مطهری به مسئله معنای زندگی

بحث استاد مطهری در باب معنای زندگی کاملاً کلامی و همراه با مدافعه‌گرایی دینی است. اساساً رویکرد استاد مطهری، هم‌چنانکه خود او به وضوح اشاره می‌کند عقلی و فلسفی نبوده و وجه غالب در آن کلامی و بیشتر به شیوه نقلی است: «به عبارت دیگر چون بحث را از جنبه اسلامی انجام می‌دهیم نه عقلی فلسفی، باید بینیم اسلام چه بینشی درباره انسان دارد» (همو، هدف زندگی، ص ۱۱).

استاد مطهری به طور مکرر اشاره می‌کند که محور بحث او، کشف دیدگاه قرآن و دین اسلام در باب هدف و معنای زندگی است. او در بحث از هدف، به آیات مختلف استناد کرده و تلاش می‌کند پاسخ مسئله معنای زندگی را از میان آیات قرآن استخراج کند. به طور نمونه او در بحث از غایت‌انگاری خدا، از خدای قرآن در برابر خدای فلاسفه سخن گفته و خدای قرآن را برخلاف خدای فلاسفه (واجب‌الوجود یا محرک اول) که موجودی بیگانه با بشر است که فقط او را آفریده و به این جهان آورده است خدایی می‌خواند که مطلوب بشر و مایه دلبستگی اوست و معنابخش به تمام اصالت‌هایی است که در وجود انسان احساس می‌گردد (همو، گفتارهای معنوی، ص ۳۲۹). با این تحلیل او به خوبی روشن می‌سازد که محور بحث او به هیچ وجه عقلانیت فلسفی متعارف نبوده و او در بحث هدف زندگی بر آموزه‌های قرآنی تکیه دارد. در

مجموع، در اندیشه استاد مطهری در باب مسئله معنای زندگی، عمق بخشی به معنای ظاهری دینی کمتر به چشم خورده، تبیین‌ها و تئوری‌پردازی‌های عقلانی در باب این مسئله کمرنگ بوده و به طور کلی حاکمیت از آن ظاهر متون دینی با رویکرد کلامی و تفسیری است.

۲.۳. نگرش غیراستقلالی و تحویل‌گرایانه استاد مطهری به مسئله معنای زندگی

یکی از ویژگی‌های بسیار اساسی بحث استاد مطهری در باب معنای زندگی که فهم آن تأثیر شایانی در شناخت هر چه بهتر دیدگاه او نسبت به مسئله معنای زندگی دارد تحویل‌گرایانه بودن دیدگاه استاد مطهری در باب این مسئله است. او در آثار مختلف خود، مسئله هدف زندگی را به مسائلی از قبیل فلسفه بعثت، فلسفه خلقت، سعادت، کمال، انسان کامل و برگردانده و به جای بحث و بررسی مستقیم هدف زندگی، از طریق بحث از مسائل پیش گفته تلاش می‌کند موضوع هدف زندگی را روشن سازد. این ویژگی اساسی را می‌توان تحویل‌گرایانه یا با تسامح فروکاهشی بودن بحث استاد مطهری در باب معنای زندگی نامید. این ویژگی اساسی، به صراحت در همان ابتدای مجموعه پنج سخنرانی او در باب هدف زندگی آمده است؛ چنان‌که او ریشه بحث هدف زندگی را همان بحث هدف بعثت انبیاء و هدف خلقت دانسته و با این تحویل‌گرایی مستقیماً و بدون هر گونه تحلیل جانبی برای رسیدن به هدف زندگی، به ویژه به سراغ بحث هدف بعثت انبیا می‌رود: «از طرف دیگر اگر بخواهیم از جنبه اسلامی [در باب هدف زندگی] بحث کنیم، این‌طور باید بگوییم (ریشه این بحث در واقع همین است) که هدف از بعثت انبیا و غایت اصلی آن چیست؟» (همو، هدف زندگی، ص ۹). اساساً، از آنجا که از دیدگاه استاد مطهری، پیامبران الهی آمده‌اند که به ما راه زندگی و به تعبیر دیگر در ورودی زندگی و خوشبختی را نشان دهند (همو، حکمت‌ها و اندرزها، ص ۴۱) لذا در عمل بحث او از معنای زندگی تا حد زیادی به بحث فلسفه و هدف بعثت انبیا تحویل و متمایل می‌گردد. مطابق بیان استاد مطهری، از مجموع تعابیر قرآن در باب هدف بعثت انبیا مشخص می‌شود که قرآن دو هدف اصلی برای بعثت انبیاء برمی‌شمارد:

۱. شناختن خدا و نزدیک شدن به او؛

۲. برقراری عدل و قسط در جامعه بشری (همو، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۳)، ص ۳۷).

استاد مطهری چهار فرض در خصوص رابطه این دو هدف بیان کرده و در نهایت، فرض چهارم را می‌پذیرد. مطابق این نظر، قرب به خدا به عنوان غایت و هدف نهایی انسان، نقش اساسی در

نظام معناداری زندگی انسان داشته و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی نیز به عنوان اهداف میانی و ابزاری ضروری برای رسیدن به این هدف نهایی، نقش معینی را در نظام معناداری شخص ایفا می‌کنند (همو، هدف زندگی، ص ۱۹-۲۶).

استاد مطهری در خصوص هدف خلقت انسان نیز بر نگرش تحویل‌گرایانه خود تأکید کرده و به صراحت به این نکته اشاره می‌کند که حتی اساساً لزومی ندارد که در باب غایت و هدف خلقت انسان نیز به طور مستقل بحث شود بلکه کافی است در باب انسان، کمالات و استعدادها و او سخن گفته شود (همان، ص ۱۱)؛ رویکردی که استاد مطهری در سراسر سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود در باب هدف زندگی به آن کاملاً پایبند بوده و همین باعث شده است که به‌رغم توجه استاد مطهری به بحث هدف و معنای زندگی، این بحث در اندیشه او، هیچ‌گاه جایگاه اساسی و محوری پیدا نکرده و همواره به صورت بحثی ثانوی، تحویل‌پذیر و غیراصیل باقی بماند.

۳.۳. بدیهی انگاشتن مقام پرسش مسئله معنای زندگی و تمرکز بر مقام پاسخ

استاد مطهری به مقام پرسش مسئله معنای زندگی توجه نداشته و تمرکز او بر مقام پاسخ این مسئله است. در واقع، تحلیل خود پرسش معنای زندگی در اندیشه استاد مطهری به دلیل اعتقاد به روشن بودن آن مغفول مانده و استاد با اعتقاد به روشنی این پرسش، مستقیماً به سراغ پاسخ و بیان و تحلیل جوانب گوناگون آن رفته است. در توضیح مطلب باید گفت که معنای زندگی در تحلیل دقیق دارای دو مقام و چهره است: ۱. مقام پرسش؛ ۲. مقام پاسخ.

مقام پرسش معنای زندگی به تحلیل پرسش معنا، معنای آن و جوانب گوناگون آن مربوط است. در واقع در این مقام، اندیشمند پیش از ورود به پاسخ‌گویی به معنای زندگی و یافتن راه‌حل برای این مسئله دشوار، به تحلیل پرسش معنا پرداخته و معنا، حدود و چگونگی طرح صحیح این پرسش را بررسی می‌کند. بحث از مقام پرسش معنا، امری نوظهور بوده و در گذشته به علت اعتقاد به وضوح آن مورد توجه نبوده است. در مقابل مقام پرسش، مقام پاسخ قرار دارد. مقام پاسخ یعنی اندیشمند به طور مستقیم به سراغ واکاوی پاسخ پرسش هدف و معنای زندگی می‌رود. در اینجا اندیشمند به تحلیل پاسخ پرداخته و کاری به وضوح بخشی به مقام پرسش ندارد. مقام پاسخ معنای زندگی برخلاف مقام پرسش همیشه مطرح بوده و هر انسانی، چه در دوره گذشته و چه در دوره حال، کم و بیش برای آن راه‌حلی داشته است. استاد مطهری جز در موارد

بسیار محدود که در آن به تعریف حیات (همو، حق و باطل، ص ۱۱۸) و توضیح زندگی حیوانی و انسانی (همو، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۳)، ص ۱۵) می‌پردازد توجه چندانی به مقام پرسش معنای زندگی نداشته و به دلیل فرض بدیهی بودن آن، به طور مستقیم به سراغ مقام پاسخ معنای زندگی می‌رود.

۴. ارائه تصویری کلی از دیدگاه علامه جعفری نسبت به مسئله معنای زندگی

علامه جعفری بی‌تردید برجسته‌ترین متفکری است که در حوزه اندیشه اسلامی - ایرانی به بحث از مسئله معنای زندگی پرداخته و گسترده‌ترین مباحث پیرامون این موضوع را با توجه به تأکید بر اهمیت این مسئله ارائه داده است. برای فهم رویکرد علامه جعفری نسبت به این مسئله مهم، در ابتدا تصویری کلی از دیدگاه او نسبت به مسئله معنای زندگی ارائه شده و سپس مشخصه‌های اصلی رویکرد او نسبت به مسئله مورد واکاوی قرار می‌گیرد. موارد زیر را در جهت بدست آوردن تصویری کلی از پاسخ علامه جعفری به مسئله معنای زندگی می‌توان مورد توجه قرار داد:

۱. **تقابل جدی با پوچ‌گرایی:** علامه جعفری به روشنی متوجه خطر پوچی بوده و اساساً معتقد است برای شناخت هدفدار بودن زندگی باید پوچی و مختصات آن را شناخت. او عواملی همچون زندگی ماشینی بشر، گسترش الحاد و ... را از عوامل پوچی دانسته (جعفری، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، ج ۸، ص ۱۶۹) و البته در این میان مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل گرایش پوچ‌گرایی از قبیل کافکا و آلبر کامو و سایر پوچ‌گرایان به پوچی را عدم فهم زندگی، غوطه‌ور شدن در حیات طبیعی و نمودهای بسیار ظاهری و سطحی حیات می‌داند (همو، امام حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت، ص ۳۳۳). علامه، پوچی را خطر عمده بشر امروز دانسته و بدین جهت نقد و مبارزه با پوچی و دفاع از معناداری و هدفمندی زندگی را مهم‌ترین وظیفه خود می‌داند:

تا اینکه در این اواخر (اوایل قرن ۱۵ هجری قمری و اواخر قرن ۲۰ میلادی) که نغمه‌های روح‌بخش حیات از طنین افتاده و به جای آن‌ها، بانگ شوم پوچی و بی‌هدفی از نای اکثریت قریب به اتفاق مردم سر می‌کشد و بیماری «از خود بیگانگی» را اعلان می‌نماید، احساس کردم هیچ وظیفه‌ای مؤکدتر و هیچ تکلیفی ضروری‌تر از این نیست که اگر چه با بضاعتی ناچیز، به یاری بیدارگران بشریت مست و از خودبیگانه در این برهه از تاریخ بشتایم. باشد که در اعلان عظمت الهی حیات، و هدف‌اعلای آن و وقاحت مرگ پست که همان مرگ ارزش‌های انسانیت است، خدمتی انجام بدهیم (همان، ص ۱۷).

۲. **رد ایده‌آل‌های نادرست:** در نظر علامه جعفری، مردم آرمان‌ها و اهداف گوناگونی در زندگی دارند که بسیاری از آن‌ها به علت خلط هدف و وسیله، مطلق‌انگاری اهداف نسبی، غرق شدن در حیات طبیعی، غایت‌انگاری امتیازات زندگی طبیعی و ... شایسته غایت و هدف نهایی زندگی نیستند (همو، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، ج ۸، ص ۱۵۱). او ایده‌آل‌هایی چون ثروت، عشق به زیبایی، مقام و احساس برتری از دیگران، علم و دانش، شهرت، محبت، هنر، آزادی و ... را مورد واکاوی قرار داده و ضمن پذیرش برخی از آن‌ها به عنوان اهداف و غایات میانی، به دلیل نسبی یا موقتی بودن، تلقی آن‌ها به عنوان غایت نهایی را مورد انتقاد قرار می‌دهد (همو، *ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل*، ص ۶۴-۴۵).

۳. **هدف‌اعلای حیات:** علامه در کتب گوناگون خود تعاریف متعددی از هدف‌اعلای حیات ارائه می‌کند که با این که با عبارات گوناگون بیان شده‌اند اما دارای محور و مضمون واحدی هستند. او با عباراتی همچون «شرکت در آهنگ کلی هستی وابسته به کمال برین»، «قرار گرفتن در جاذبه کمال ربوبی به وسیله تکاپوی آگاهانه و آزادانه»، «شکوفای کردن زندگی گذران از چشمه‌سار حیات تکاملی و شخصیت انسانی را در حرکت به سوی ابدیت به ثمر رسانیدن»، «قرار گرفتن در جاذبه کمال مطلق که با هر اندیشه و کردار نیکو که لحظات زندگی را با آن‌ها سپری می‌کنیم در حقیقت به مرتبه‌ای از آن جاذبیت نائل می‌گردیم» به توصیف هدف نهایی و اعلای زندگی می‌پردازد (همو، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، ج ۸، ص ۲۰۷ و ج ۱۰، ص ۳۲۷؛ همو، *ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل*، ص ۹؛ همو، *امام حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت*، ص ۴۹؛ همو، *تکاپوی اندیشه‌ها*، ص ۸۲). هم‌چنان که از عبارات مذکور هویداست علامه جعفری نیز همچون بسیاری از دینداران، خداوند را محور و اساس نظام‌معناداری خود قرار داده و قرب به او را به عنوان غایت و هدف نهایی زندگی انسان معرفی می‌کند. او برای تبیین غایت‌انگاری خداوند به آیه «انا لله و انا الیه راجعون» اشاره کرده و با بیان این نکته که این آیه و مضمون آن می‌تواند به زندگی محاسبه و معنا بخشیده و زندگی انسان و کل عالم را تفسیر و توجیه کند به این حقیقت اشاره می‌کند که حس کمال‌جویی و اعتدال‌طلبی انسان جز با قرار گرفتن در جاذبه الهی اشباع نخواهد شد. در واقع فقط زمانی سوال «سپس چه؟» متوقف می‌شود که انسان خدا را به عنوان غایت نهایی برگزیند چه این که ورود به عظمت خدا، ورود به بی‌نهایت است (همو، *فلسفه و هدف زندگی*، ص ۱۰۶-۱۰۳؛ همو، *ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل*، ص ۱۲۱-۱۲۰).

۴. **حیات معقول:** یکی از شاه کلیدهای اصلی فهم دیدگاه علامه جعفری در باب معنای زندگی، مسئله حیات معقول است که از دیدگاه او معادل حیات طیبه قرآنی و حیات دارای معنا و هدف متعالی است. او این حیات را که در مقابل زندگی طبیعی محض قرار دارد با توصیفاتی همچون سطح عمیق حیات، حیات مطلوب، جریان آگاهانه زندگی، من با هویت پویا به سوی کمال، زندگی ایده آل و زندگی منطقی مورد ایضاح قرار می دهد (همو، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۹۲).

زندگی طبیعی محض، زندگی جبری و شبه جبری است. انسان در این زندگی دارای اختیاری نیست چه اینکه او در این زندگی تابع و تسلیم هوی و هوس خود، امیال طبیعی، عوامل محیطی و انسان های دیگر است. تا زمانی که انسان در زندگی طبیعی غوطه ور است نمی تواند تفسیر صحیحی از زندگی داشته و پرسش او از فلسفه و هدف حیات، پاسخی جز پوچی و بی معنایی نخواهد داشت. البته این به هیچ وجه به معنای عدم ضرورت یا ابطال «زندگی محض طبیعی» نیست بلکه این حقیقت به معنای این است که زندگی طبیعی نباید به عنوان هدف حیات محسوب گردد بلکه باید به چشم وسیله وصول به حیات معقول به آن نگریست. علامه، حیات معقول را بدین ترتیب تعریف می کند:

حیات معقول عبارت است از حیات آگاهانه ای که نیروها و فعالیت های جبری و جبرنمای زندگی طبیعی را با برخورداری از رشد آزادی شکوفان در اختیار، در مسیر هدف های تکاملی نسبی تنظیم نموده، شخصیت انسانی را که تدریجاً در این گذرگاه ساخته می شود، وارد هدف اعلای زندگی می نماید. این هدف اعلا شرکت در آهنگ کلی هستی وابسته به کمال برین است (همو، حیات معقول، ص ۳۷).

این حیات که مستند به دلیل بوده و دارای تکیه گاه عقلانی است هیچ سؤالی که مربوط به هدف های نسبی و هدف مطلق زندگی است را بی پاسخ نگذاشته و پرسش گری از سؤال «سپس چه؟» را به درستی اشباع می کند. در حیات معقول روح انسان دائماً در حال حرکت و تکاپوست و در مسیر غایت نهایی به طور دائم از اهداف تکاملی نسبی عبور کرده و از مرحله ای به مرحله بالاتر قدم می گذارد. او ویژگی ها و مختصات زندگی معنادار و حیات معقول را به تفصیل بیان کرده و آن ها را در قالب تعهد برین، شناخت ارزش حیات، برخورداری از روشنایی و سعادت، جدی گرفتن جهان هستی، به دست آوردن آزادی برین، آزاد ساختن انسان از مطلق تراشی ها توضیح می دهد (همو، فلسفه و هدف زندگی، ص ۱۲۱-۱۱۵).

مباحث علامه جعفری در پاسخ به پرسش معنای زندگی، بسیار گسترده و دارای جوانب و ابعاد گوناگون است. آنچه گفته شد صرفاً تصویری کلی از دیدگاه علامه در خصوص معنای زندگی است. این تصویر کلی، زمینه را برای طرح مشخصه‌های اصلی رویکرد علامه جعفری به مسئله معنای زندگی فراهم می‌سازد.

۵. ویژگی‌های اصلی رویکرد علامه جعفری به مسئله معنای زندگی

۵. ۱. فلسفی و عقلی بودن رویکرد علامه جعفری به مسئله معنای زندگی

اگر در آثار علامه جعفری در خصوص معنای زندگی نگاه دقیقی بیافکنیم به روشنی متوجه خواهیم شد که رویکرد علامه جعفری در مواجهه با این مسئله، آشکارا عقلانی و همراه با نوعی تأمل‌ورزی فلسفی است البته بدون اینکه علامه بخواهد در این تأمل‌ورزی، خود را درگیر یک سری مفاهیم انتزاعی و فلسفه‌ورزی‌های متعارف دور از ساحت زندگی کند. این امر خود به وضوح، در انتخاب عنوان توسط علامه جعفری، برای مهم‌ترین اثرش در باب معنای زندگی یعنی کتاب «فلسفه و هدف زندگی» آشکار است. علامه جعفری در این اثر در ابتدا با روش کاملاً عقلی و برون‌دینی بحث معناداری زندگی را مورد تحلیل قرار داده و صرفاً در یک سوم آخر کتاب و از عنوان «حیات در افق قرآن» به بعد است که به نحو واضح و گسترده از استنادات قرآنی و روایی بهره می‌گیرد (همو، *فلسفه و هدف زندگی*). در همین بخش نیز دقت در شیوه بحث علامه جعفری به خوبی موید این حقیقت است که بحث‌های نقلی کاملاً در قالب و ضمن مباحث کلی عقلی علامه پیرامون معنای زندگی تفسیر شده و استنادات و شواهد نقلی در حقیقت یا به عنوان تایید مباحث عقلی و یا به عنوان بیان هم‌رایی معرفت عقلانی و وحیانی در باب موضوع معنای زندگی آورده شده‌اند (همو، *فلسفه و هدف زندگی*، ص ۱۲۸-۷۹). این رویکرد عقلی و برون‌دینی در دومین اثر مهم علامه جعفری در باب معنای زندگی یعنی «ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل» وضوح بیشتری پیدا می‌کند به گونه‌ای که تعداد استنادات به آیات و روایات در این اثر بسیار کمتر و عمدتاً بحث با اتکا بر مباحث عقلی علامه پیرامون هدف زندگی یا با استناد به سخنان متفکران به ویژه فیلسوفانی از قبیل ابن‌سینا، ملاصدرا، سقراط، افلاطون، ارسطو، ولتر، شوپنهاور، اسپنسر، برگسون و ... سامان می‌یابد (همو، *ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل*، ص ۱۲۵-۷).

برای روشن شدن هر چه بیشتر این ویژگی، اشاره به این نکته ضرورت دارد که علامه جعفری اهمیت ویژه‌ای برای دین و مذهب در پاسخ‌گویی به پرسش معنای زندگی قائل است (همو، /امام حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت، ص ۵۹۱ و ۴۳۳). این اهمیت تا بدان‌جاست که علامه اساساً ماهیت دین را نشان دادن هدف و معنای زندگی انسان می‌داند: «ماهیت دین عبارت است از «قرار دادن شخصیت آدمی در مسیر به ثمر رسیدن در جاذبه کمال» (همو، علم و دین در حیات معقول، ص ۱۳). البته این اهمیت اساسی دین در پاسخ‌گویی به پرسش معنای زندگی، در قالب و ضمن رویکرد کلی عقلانی او به این پرسش قرار دارد. به همین جهت نیز همین بهره‌گیری ضمنی از روش نقلی نیز اساساً به شیوه کلامی و همراه با مدافعه‌گری دینی نیست بلکه در حقیقت، علامه جعفری درصدد حل مسئله معنای زندگی به عنوان مسئله‌ای بنیادین برای بشر است و البته در این راه، علاوه بر محوریت روش عقلی، از استناد به متون دینی برای تأیید دیدگاه خود در خصوص معناداری زندگی استنکاف نمی‌ورزد. در مجموع، این اصالت و محوریت روش عقلی در تحلیل مسئله معنای زندگی سبب می‌شود که به ویژه با توجه به تمرکز گسترده علامه جعفری بر این مسئله، بتوان او را فیلسوف معنا نامید.

۲.۵. نگرش استقلالی و محورمدارانه علامه جعفری به مسئله معنای زندگی

علامه جعفری، اهمیت بسیار زیادی برای مسئله معنا و هدف زندگی قائل است به گونه‌ای که او اساسی‌ترین ویژگی انسان را هدف‌گیری در زندگی دانسته و توجه به هدف‌اعلای حیات را برای همه انسان‌ها در درجه اول اهمیت قرار می‌دهد (همو، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، ج ۸، ص ۲۴۶). این توجه به اهمیت مسئله معنای زندگی، این بحث را به عنوان بحثی کاملاً مستقل، مورد توجه علامه قرار داده و به آن نقشی کاملاً محوری در اندیشه علامه جعفری می‌بخشد.

علامه، علاوه بر این که سه کتاب مستقل یعنی «فلسفه و هدف زندگی»، «ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل» و «حیات معقول» را به طور مستقیم به بحث معنا و هدف زندگی اختصاص می‌دهد در برخی از آثار دیگر خود نیز بحث‌های مفصل و مستقلی را پیرامون این مسئله ارائه می‌کند. علاوه بر بعد استقلالی این مسئله در اندیشه علامه جعفری، این مسئله نقش کاملاً محوری نیز در اندیشه او پیدا کرده است به گونه‌ای که هدف از بیان و تبیین بسیاری از مسائل دیگر توسط او، اثبات هدف‌اعلای حیات و بازنمایی مختصات حیات معقول است. اگر او به شرح و تفهیم نهج‌البلاغه می‌پردازد از آن جهت است که جوانان با مطالعه نهج‌البلاغه، دیگر به برخی

فلسفه‌ها و مطالب بی‌اساس که در زمینه فلسفه حیات گفته شده است اعتنا نخواهند کرد (نصری، ص ۶۱). اگر او در باب زندگی امام حسین (ع)، امام علی (ع)، ابراهیم خلیل الله (ع)، ابوذر غفاری و دیگر انسان‌های متعالی سخن می‌گوید هدف آشنا ساختن انسان با هدف اعلای حیات و راه دستیابی به آن است: «عده‌ای خیال می‌کنند که ما از داستان کربلا باید بهره‌برداری کنیم و مثلاً به فلان مسائل یا موضوعات با آن مفاهیم که ما به آن اهمیت می‌دهیم توجه کنیم. بلی، درست است، آن‌ها هم اهمیت دارند، ولی در درجه دو. در درجه اول این است که (حادثه کربلا) برای زندگی ما هدف معین می‌کند» (جعفری، امام حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت، ص ۵۹۱). وقتی پای اتحاد و پیوستگی انسان‌ها در میان باشد از دیدگاه علامه جعفری یگانه راه حصول آن، صرفاً با اتحاد در هدف اعلای حیات تحقق می‌یابد (همو، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، ج ۱۰، ص ۱۸۰). هر گاه بخواهیم به یک فرهنگ اصیل دست یابیم نخست باید معمای هدف حیات را حل کنیم و سپس اصول و قوانین یک فرهنگ اصیل را پی‌ریزی نمائیم (همو، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، ص ۱۰۱). این رویکرد علامه که عملاً در سراسر مباحث او به وضوح آشکار است نقش کاملاً محوری به بحث معنای زندگی بخشیده و به آن، جایگاه بسیار مهم و کاملاً مستقلی در مجموعه اندیشه علامه جعفری می‌دهد.

۳.۵. توجه جدی به مقام پرسش معنای زندگی

علامه جعفری به نحو جامع و تفصیلی به مقام پرسش معنای زندگی توجه دارد. او اجزا و ویژگی‌های گوناگون پرسش معنای زندگی را مورد تحلیل و واکاوی قرار داده و اساساً پاسخ را از دل همین تحلیل و واکاوی به دست می‌آورد. او انگیزه‌های گوناگون پرسش از هدف زندگی و انواع پرسشگران از آن را به تفصیل بیان کرده (همو، فلسفه و هدف زندگی، ص ۶۸-۱۹) و پرسشگری از آن را فقط شایسته اشخاصی می‌داند که به موضوع حیات اشراف داشته و عظمت حیات را درک کند کسی که از طبیعت جبری و ناآگاه حیات و من مجازی مربوط به سطح مجاور ماده حیات آدمی عبور کرده و از خواسته‌های روزمره زندگی گذر کرده باشد (همو، تکاپوی اندیشه‌ها، ص ۷۹؛ همو، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، ج ۱۲، ص ۱۶۶).

علامه جعفری هر دو جزء اصلی پرسش معنا و هدف زندگی را در جایگاه‌های مختلف مورد تحلیل و روشنگری قرار می‌دهد. او هدف زندگی را تعریف کرده و آن را آن حقیقت منظور می‌داند که آگاهی و اشتیاق به دست آوردن آن، محرک انسان به سوی انجام دادن حرکات

معینی است که آن حقیقت را قابل وصول می‌سازد. او در ادامه تبیین و تحلیل هدف، برای هر هدفی چهار جنبه و به تعبیر دقیق‌تر چهار ویژگی اساسی برمی‌شمارد:

الف) جنبه درون ذاتی: نقطه آغاز هر کار هدف‌دار که از درون انسان برخاسته و مربوط به یکی از جهات ملایم با طبیعت انسانی است که مورد آگاهی و اشتیاق او قرار می‌گیرد.
ب) جنبه برون ذاتی: وجود واقعی هدف در بیرون از ذات انسان که رسیدن به آن مطلوب آدمی است.

ج) هدف در همه موارد حقیقتی است خارج از موقعیت فعلی انسان: در واقع موقعیت و جایگاه فعلی و حال حاضر انسان نمی‌تواند به عنوان هدف او محسوب شود.

د) دو جنبه جبری و اختیاری وصول به هدف: یعنی برای رسیدن به هدف یک سری قوانین طبیعی و اعمال دیگر انسان‌ها قرار دارد که خارج از اختیار آدمی است (جنبه جبری). در عین حال برای رسیدن به هدف، اختیار و تلاش ارادی انسان نیز زمینه اساسی رسیدن به هدف است (جنبه اختیاری) امری که بدون آن زندگی هدف‌دار حاصل نخواهد شد (همو، فلسفه و هدف زندگی، ص ۱۵-۱۴).

این تحلیل از هدف و ویژگی‌های آن به عنوان رکن اساسی پرسش معنای زندگی نقش بسیار برجسته‌ای را در پاسخ علامه به این پرسش ایفا می‌کند چنان‌که مذمت غایت‌انگاری زندگی دنیوی و مادی به عنوان زندگی مربوط به موقعیت فعلی انسان (همو، علم و دین در حیات معقول، ص ۸۸؛ همو، تکاپوی اندیشه‌ها، ص ۸۲)، آگاهانه و مشتاقانه بودن ایده آل زندگی (همو، ایده آل زندگی و زندگی ایده آل، ص ۹)، نقد پوچ‌گرایی به عنوان زائیده جبر مکانیستی و دوری از اختیار و تلاش ارادی حقیقی (همو، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۶۹) و بسیاری دیگر از مطالبی که علامه در جهت پاسخگویی به پرسش معنای زندگی فراهم می‌کند در نگاه دقیق ریشه در این تحلیل از هدف و ویژگی‌های آن دارد.

او در ادامه تحلیل هدف، به مسئله بسیار مهم تمایز هدف و وسیله که تاکید بسیاری بر آن دارد اشاره می‌کند. علامه جعفری وسیله یا اهداف تکاملی نسبی که علاوه بر بعد هدفی، دارای بعد وسیله‌ای هم هستند را به روشنی از هدف اعلا که فقط بعد هدفی و جنبه استقلال‌ی داشته جدا کرده و می‌گوید اشخاصی که در تنظیم وسیله و هدف و جدایی آن‌ها از یکدیگر هر چه بیشتر قدم برداشته‌اند، حیات و زندگی پرمعناتر و عالی‌تری را تجربه کرده‌اند (همو، امام حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت، ص ۲۳۲).

جزء دوم پرسش معنای زندگی، یعنی زندگی و حیات نیز مورد توجه اساسی علامه جعفری است تا آنجا که از دیدگاه او، پاسخ پرسش معنای زندگی از دل تحلیل حیات و عظمت آن به دست می‌آید. اساساً نکته منحصراً به فردی که در اندیشه علامه جعفری وجود دارد این است که از منظر او، حیات خود هدف حیات است. این امر باعث می‌شود تحلیل و بررسی حیات، خود مبدل به جزء محوری و اساسی پاسخگویی به پرسش معنای زندگی شود و سبب پیوست دو مقام پرسش و پاسخ معنای زندگی به یکدیگر گردد: «برای شناخت هدف حیات، نخست باید ماهیت حیات و مختصات با عظمت آن را تا حدی که برای تهیه پاسخ به سوال مذکور لازم است، مورد بررسی قرار بدهیم» (همان، ص ۴۹).

این پیوند عمیق مقام پرسش و پاسخ معنای زندگی و غایت‌انگاری حیات برای خود حیات در اندیشه علامه جعفری، ریشه در اهمیت خارق‌العاده زندگی از منظر علامه جعفری و تفسیر ویژه او از این پدیده دارد. اساساً اهمیت و ارزش زندگی برای علامه جعفری تا به حدی است که هیچ غایتی و رای آن نمی‌توان در نظر گرفت و هر غایتی که برای آن در نظر گرفته شود در واقع مندمج در آن و جزئی از آن است. او همه هدف‌های زندگی معمولی را وسیله‌هایی برای بارور شدن اصل حیات دانسته (همو، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۲) و حیات را اصیل‌ترین هدف‌ها و مطلوب مستقل و نهایی بشر محسوب می‌کند. علامه جعفری در ذیل عنوان «حیات اصیل‌ترین هدف‌ها» به ذکر پنج دلیل برای اثبات این مدعا می‌پردازد:

الف) استناد به آگاهی درونی و بی‌واسطه انسان‌ها از این حقیقت که حیات خود غایت حیات است.

ب) همه قوانین موضوعه بشری، قواعد مذهبی و اصول اخلاقی اصالت هدف بودن حیات را می‌پذیرند به گونه‌ای که کلیت این قوانین در موقع اخلاص به حیات تخصیص می‌خورد.

ج) طی تاریخ، انسان‌ها با احساس ضرورت حیات و چشیدن طعم آن، ارتکاب هر عملی را به عنوان وسیله ادامه حیات توجیه کرده‌اند.

د) انسان‌ها زمانی از حیات خود دست بر می‌دارند که حقیقتی را با ارزش‌تر از عالم هستی بدانند زیرا هیچ عاملی نمی‌تواند حیات را که محصول عالی هستی است، در مقابل سایر اجزا و شئون هستی از دست بدهد.

ها) بروز و ظهور عقاید فراوانی در طی تاریخ تفکر بشری که همه بر این عقیده‌اند که همه تفکرات و کوشش‌های فکری و جسمانی انسان، وسیله و ابزار حیات او هستند (همو، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۹۰-۸۸).

این غایت‌انگاری حیات، در حقیقت به معنای غایت‌انگاری درجات بالاتر حیات برای درجات پایین‌تر آن و به تعبیر دیگر، غایت‌انگاری حیات معقول برای حیات طبیعی و ابعاد متعالی زندگی برای ابعاد مادون زندگی است. بالاترین درجه حیات، ادامه حیات در ابدیت است؛ یعنی آنجایی که انسان، خدا را غایت خود قرار داده و به قرب او نائل می‌گردد. بنابراین اگر رادمردان تاریخ برای رسیدن به این غایت، حیات خود را قربانی ساخته‌اند در واقع آن‌ها حیات را وسیله نکرده‌اند بلکه درجه پایین‌تری از حیات را قربانی و وسیله درجه بالاتر و برتر حیات قرار داده‌اند (همو، امام حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت، ص ۲۳۰).

نتیجه و تطبیق آراء

مسئله معنای زندگی از جمله مهم‌ترین مسائل بشری است که مورد توجه متفکران مسلمان نیز قرار گرفته است. در این میان استاد مطهری و علامه جعفری نیز به عنوان دو متفکر بزرگ مسلمان به این مسئله مهم پرداخته‌اند اما در عین اینکه با توجه به داشتن مبانی و آبخورهای فرهنگی و اعتقادی مشترک، اشتراکات فراوانی از قبیل تقابل با پوچ‌گرایی، غایت‌انگاری خداوند به عنوان محور و اساس نظام معناداری زندگی، تاکید بر نقش دین و آموزه‌های آن در معنابخشی زندگی و ... را در دیدگاه آن‌ها در باب معنای زندگی می‌توان یافت با این حال تفاوت‌های بسیار اساسی نیز در رویکرد استاد مطهری و علامه جعفری نسبت به مسئله معنای زندگی وجود دارد که باعث تفاوت جدی نوع مواجهه آن‌ها با این مسئله شده است. این تفاوت‌ها را در قالب موارد زیر می‌توان صورت‌بندی کرد:

۱. رویکرد استاد مطهری به مسئله معنای زندگی به وضوح کلامی و نقلی است. در واقع پاسخ او به این مسئله، همراه با مدافعه‌گری دینی و بیشتر با اتکا بر بهره‌گیری از استنادات قرآنی و روایی است. اما علامه جعفری رویکرد کاملاً متفاوتی به این مسئله دارد. رویکرد علامه برخلاف استاد مطهری، رویکرد عقلی و همراه با نوعی تأمل‌ورزی فلسفی است و اگر استنادی به قرآن و روایات نیز در آثار او صورت می‌گیرد با هدف تأیید مباحث عقلی در خصوص معنای زندگی است.

۲. یکی از تفاوت‌های اصلی رویکرد استاد مطهری و علامه جعفری، به جایگاه این بحث در اندیشه این دو متفکر بازمی‌گردد. مسئله معنای زندگی در اندیشه استاد مطهری مسئله‌ای است که دائماً با تحویل به سایر مباحث پاسخ یافته و بنابراین جایگاه مستقل و متمایزی در اندیشه او ندارد. این در حالی است که معنای زندگی در اندیشه علامه جعفری، جایگاه کاملاً محوری و بنیادی داشته و اهمیت آن تا بدانجاست که می‌توان گفت هیچ بحث دیگری تا بدین حد، مورد توجه علامه نبوده است. محوریت و جایگاه استقلالی این مسئله در اندیشه علامه جعفری خود سبب شده است که طرح بسیاری از مباحث دیگر و حل آن‌ها از سوی وی، وابسته به مباحث او در خصوص معنای زندگی باشد.

۳. استاد مطهری، مقام پرسش معنای زندگی را بدیهی انگاشته و همین باعث شده مباحث مرتبط با مقام پرسش یعنی تحلیل هدف، معنا و خصوصیات آن، تحلیل زندگی، معنا و خصوصیات آن، انواع پرسش‌گری و پرسش‌گران از معنا و ... در اندیشه وی مغفول ماند و او با فرض بدهت پرسش و اجزای آن، مستقیم به سراغ پاسخ به پرسش معنا رفته و البته با نگرشی تحویل‌پذیرانه و کلامی پاسخی برای پرسش بیابد. این در حالی است که علامه جعفری مشکل اصلی گم‌شدگان در مسیر یافتن معنای زندگی را، عدم درک پرسش معنا و هدف زندگی و اجزای آن به ویژه خود حیات و زندگی دانسته است. همین رویکرد باعث شده است که هم‌چنان که در بحث از توجه جدی علامه جعفری به مقام پرسش معنای زندگی به تفصیل آمد علامه مباحث فراوانی در خصوص پرسش معنای زندگی و ابعاد گوناگون آن مثل تحلیل هدف، ویژگی‌های اساسی آن، تمایز هدف و وسیله، تفسیر حیات، مراحل گوناگون آن، تعلق معنا به کدامین مرتبه و مرحله حیات و ... را به عنوان پایه و اساس فراهم کردن پاسخ به پرسش معنای زندگی قرار داده و اساساً تلاش کند تا پاسخ معنای زندگی را از دل تحلیل پرسش معنای زندگی و به ویژه مسئله مهم حیات و زندگی بشر و سطوح گوناگون آن استخراج کند به ویژه که از دیدگاه علامه جعفری، سطح عالی زندگی که همان حیات معقول است غایت و هدف زندگی بوده و به همین جهت شناخت و تحلیل آن به منزله شناخت و تحلیل پاسخ مسئله دشوار معنای زندگی می‌باشد.

این تفاوت‌های اساسی سه‌گانه، هم‌چنان که مشاهده گردید عملاً دو رویکرد کاملاً متفاوت نسبت به مسئله معنای زندگی را برای این دو اندیشمند موجب می‌شود؛ تفاوتی که به‌رغم وجود اشتراکات قابل توجه بین اندیشه این دو متفکر بزرگ مسلمان، بر سراسر بحث آن‌ها پیرامون

معنای زندگی حاکم بوده و باعث تمایز و تفاوت واضح بحث این دو اندیشمند از معنای زندگی می‌گردد. این تمایز تا حدی است که در واقع می‌توان از دو گونه‌ی کاملاً متمایز مواجهه با مسئله معنای زندگی در ساحت اندیشه اسلامی - ایرانی سخن گفت؛ دو گونه‌ای که علامه جعفری و استاد مطهری هر یک نماینده بارز یکی از آن‌ها بوده و بدین جهت بررسی تفاوت بین رویکرد این دو اندیشمند، خود موجب شناخت تفاوت این دو گونه متمایز مواجهه با مسئله معنای زندگی در ساحت اندیشه اسلامی - ایرانی می‌گردد.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله، *الاشارات و التنبیها*، ج ۳، مع الشرح لنصیرالدین الطوسی و شرح الشرح لقطب‌الدین رازی، قم، نشر البلاغه، ۱۳۸۳.
- اروین، ویلیام، *فلسفه‌ای برای زندگی*، ترجمه محمود مقدسی، تهران، نشر گمان، ۱۳۹۳.
- استیس، والتر ترنس، «در بی معنایی معنا هست»، ترجمه اعظم پویا، *نقد و نظر*، ش ۲۹ و ۳۰، ص ۱۲۳-۱۰۸، ۱۳۸۲.
- آدلر، آلفرد، *مفهوم زندگی را دریابید*، ترجمه ناهید فخرایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳.
- تامسون، گرت، *معنای زندگی*، ترجمه غزاله حجتی و امیرحسین خداپرست، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۹۴.
- جعفری تبریزی، محمد تقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج ۱ و ۸ و ۱۰ و ۱۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
- _____، *شناخت از دیدگاه علمی و از دیدگاه قرآن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
- _____، *فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- _____، *تکاپوی اندیشه‌ها (مجموعه‌ای از مصاحبه‌های انجام شده با استاد علامه محمد تقی جعفری در مباحث: اعتقادی، فلسفی، عرفانی، علمی، ادبی، هنری، اخلاقی، حقوقی)*، ج ۱، تنظیم و تدوین: علی رافعی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
- _____، *حیات معقول*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
- _____، *امام حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت*، تنظیم علی جعفری، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۱.

- _____، علم و دین در حیات معقول، به اهتمام شهرام تقی‌زاده انصاری، علی جعفری و کریم فیضی، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۳.
- _____، فلسفه و هدف زندگی، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۵.
- _____، ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۵.
- رضازاده، حسن و محمدرضا رحمانی اصل، «مقایسه معنای زندگی از دیدگاه محمد تقی جعفری تبریزی و فردریش نیچه»، انسان پژوهی دینی، س ۱۰، ش ۳۰، ص ۱۳۴-۱۱۵، ۱۳۹۲.
- رونزو، جوزف، «عشق زمینی و معنا در زندگی و دین»، گردآوری و ترجمه اعظم پویا، معنای زندگی؛ مجموعه مقالات، قم: نشر ادیان، ص ۱۶۹-۱۳۹، ۱۳۸۵.
- الشیرازی، صدرالدین محمد (ملاصدرا)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۹، قم، طلیعه النور، ۱۴۲۸ق.
- کمپانی زارع، مهدی، مولانا و معنای زندگی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۹۲.
- کوئین، فیلیپ ال، «مسیحیت و معنای زندگی»، گردآوری و ترجمه اعظم پویا، معنای زندگی؛ مجموعه مقالات، قم، نشر ادیان، ص ۲۰۵-۱۷۱، ۱۳۸۵.
- لگنهاوسن، محمد، «اقتراح»، نقد و نظر، ش ۲۹ و ۳۰: ص ۲۷-۵، ۱۳۸۲.
- متز، تدئوس، «آثار جدیدی درباره معنای زندگی»، ترجمه محسن جوادی، نقد و نظر، ش ۲۹ و ۳۰، ص ۳۱۳-۲۶۶، ۱۳۸۲.
- مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۳): وحی و نبوت، تهران، صدرا، ۱۳۵۷.
- _____، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۷): زندگی جاوید یا حیات اخروی، تهران، صدرا، ۱۳۵۷.
- _____، حق و باطل، به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲.
- _____، گفتارهای معنوی، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
- _____، حکمت‌ها و اندرزها، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
- _____، انسان کامل، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
- _____، تکامل اجتماعی انسان؛ به ضمیمه هدف زندگی، الهامی از شیخ‌الطائفه و مزایا و خدمات مرحوم آیت الله بروجردی، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
- _____، معاد، تهران، صدرا، ۱۳۷۷.

_____، هدف زندگی، تهران، صدرا، ۱۳۹۰.

_____، وحدت اسلامی و سعادت، بی جا، بی تا.

نصری، عبدالله، آفاق مرزبانی: گفتگوهای با علامه جعفری، تهران، سروش، ۱۳۷۷.

نیگل، تامس، در پی معنا، ترجمه محمد ناجی و مهدی معین زاده، تهران، هرمس، ۱۳۸۴.

وارد، کیت، «دین و مسئله معنا»، گردآوری و ترجمه اعظم پویا، معنای زندگی؛ مجموعه مقالات، قم، نشر ادیان، ص ۸۴-۳۹، ۱۳۸۵.

Wolf, Susan, »Meaning of Life« , *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, London and New York: Routledge publishing, v5, p630-633, 1998.

Young, Julian, *The Death of God and The Meaning of The Life*, London: Routledge publishing, 2003.